

# اعتصاب کارگران نفت: مجمع عمومی و انتخاب نماینده

گفتگو در برنامه تلویزیونی خط رفاه  
با شهلا دانشفر و حمید تقوایی

**خلیل کیوان:** پیشتر در برنامه های خط رفاه در باره برگزاری مجمع عمومی کارگران پروژه های نفتی و صنعتگران ساکن استان چهارمحال بختیاری صحبت کردیم. در این برنامه در باره نشست نمایندگان کارگران با نمایندگان پیمانکاران که پنجشنبه ۲۸ مرداد صورت گرفت صحبت میکنیم. اهمیت این رویداد چیست و چه تاثیری بر مبارزه و اتحاد بخش های دیگر صنعت نفت دارد؟ این تجربه چه تاثیری بر اتحاد سراسری کارگران و سایر بخش های مزد بگیران در ایران خواهد داشت؟ چگونه جنبش شورایی را تقویت میکند؟ حلقه اتصال این مساله با اداره شورایی که کارگران هفت تپه بر آن تاکید دارند چیست؟ این پرسش ها را در میزگرد امروز با شهلا دانشفر و حمید تقوایی در میان میگذریم.

شهلا دانشفر مطلع هستید که یکشنبه دهم مرداد ماه کارگران پروژه ای نفتی و صنعتگران ساکن استان چهارمحال و بختیاری مجمع عمومی بزرگی در شهرستان هفشجان برگزار کردند. در آن همایش بزرگ از تداوم اعتصاب حمایت کردند و اعلام نمودند که تا تحقق مطالباتشان ایستادگی خواهند کرد. آن رویداد با شادی و شور کارگران و با حمایت وسیع افکار عمومی روبرو شد. حالا نشست نمایندگان منتخب آن مجمع عمومی را داریم که با شماری از پیمانکاران بر سر خواستهها و مطالباتشان بر سر میز مذاکره نشسته اند. همه چیز حکایت از این دارد که کارگران در هفشجان گام بزرگی به جلو برداشته اند. ارزیابی شما از آنچه که رخ

داد چیست؟

**شهلا دانشفر:** این اتفاق بسیار مهم و شورانگیز است. در برنامه گذشته همانطور که اشاره کردید در مورد تشکیل مجمع عمومی کارگران اعتصابی پروژه ای نفت در استان چهارمحال و بختیاری در شهر هفشجان مفصل صحبت کردیم و از آن به عنوان یک نقطه عطف در سازمانیابی توده ای کارگری و بعنوان یک الگو هم برای کارگران نفت و هم برای جنبش کارگری یاد کردیم. اتفاق بعدی یعنی انتخاب نمایندگان جهت نشستن بر سر میز مذاکره با کارفرمایان تعمیق همان حرکت و ادامه منطقی همان حرکت است. گامی مهم به جلو و یک پیشروی بزرگ برای خود این کارگران و کل جنبش کارگری است. این اتفاق

در عین حال ثمره اقدامی است که از همان روز اول کارگران اعتصابی پروژه ای نفت دست بکار آن شدند و شورای سازماندهی اعتراضاتشان را ایجاد کردند. این شورا از همان آغاز تاکید بر این کرد که مجمع عمومی را باید تشکیل داد. نمایندگان واقعی خود را باید انتخاب کرد و نباید اجازه داد که ما را بصورت فردی در تنگنا قرار داده و مورد تعرض قرار دهند و قرارداد جمعی راه حل مبارزه با هر نوع تفرقه و هر نوع شکافی است. راه حلی برای ادامه کاری این مبارزات است و انجام آن ممکن و شدنی است. هفشجان عملان نشان داد که این کار شدنی است. بدین ترتیب کارگران هفشجان نه تنها مجمع عمومی خود را تشکیل دادند بلکه آنرا تعمیق دادند و گامی به جلوتر برداشتند و نمایندگان

خود را برای مذاکره تعیین کردند و رفتند پای بستن قرارداد جمعی. و این اتفاق بسیار مهم است. آنها در جایی مثل صنعت نفت یک مرکز کلیدی اقتصادی کارگری با هزاران کارگر و در شرایطی مثل امروز که جنبش کارگری چنین در کوران اعتراض قرار دارد و جامعه پر از تلاطم مبارزاتی است. ببینید کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین برده وار ویژه اقتصادی دو خواست کلیدی کارگران نفت است. با این اقدام کارگران در نفت خودشان دارند دفاکتو زیر بساط پیمانکاران و قوانین مناطق ویژه اقتصادی میزنند و اعمال اراده میکنند. از جمله پیمانکاران را زیر فشار سنگین اعتصاب خود به زانو درآورده و مجبورشان کرده اند که پای مذاکره با نمایندگان کارگران بنشینند و

حتما میدانید که برای قرار بعدی تاکید شد که پیمانکاران نیز ۵ نفر از میان خود برای مذاکره با کارگران انتخاب کنند تا در مورد خواستهها و مطالبات کارگران تصمیم گیری شود. این نمونه، حرکتی قابل تکثیر در کل صنعت نفت و برای کل جنبش کارگری است.

**خلیل کیوان:** نمایندگان کارگران در کشورهای که تشکل در آنها آزاد است برای مطالباتشان و از جمله تعیین سطح دستمزد بطور سراسری با دولت و نمایندگان کارفرماها مذاکره میکنند. انتخاب نماینده و مذاکره با پیمانکاران در هفشجان که کسر کوچکی از کارگران ایران را در بر میگیرد، آیا آنطور که شهلا دانشفر تاکید

دارد مهم است؟ چرا؟

**حمید تقوائی:** به نظر من اینجا کمیت عامل مهمی نیست. البته حتی از نظر کمی هم حرکت کوچکی نیست. در سطح یک استان کارگران پیمانی نفت یک مجمع عمومی گسترده به شکل حضوری برگزار میکنند. فکر میکنم اگر این در اروپا، بخصوص در این دوره کرونا، رخ میداد همه بعنوان یک اتفاق مهم جنبش کارگری از آن یاد میکردند. چه برسد در شرایط ایران که تحت سلطه یک رژیم سرکوبگر تشکیل مجمع عمومی حتی در سطح یک واحد تولیدی بسیار دشوار است. در چنین شرایطی در دل یک اعتصاب سراسری در یک رشته صنعتی مهم در اقتصاد مملکت در سطح استانی کارگران گرد هم می



آیند و مجمع عمومی تشکیل میدهند و این خود یک گام بزرگ به پیش است. اما اهمیت این امر از این فراتر میرود.

جایگاه تشکیل این مجمع عمومی از دو جنبه حائز اهمیت است. اول از نظر شکل و شیوه مبارزه کارگران و دوم از نظر مضمون این مبارزه و دستاوردهائی که داشته اند.

از نظر شیوه مبارزه شکل ایده آل پیشروی در جنبش کارگری در هر شرایطی اتکا به مجمع عمومی است. تشکیل مجمع عمومی در دل یک اعتصاب یعنی اتکا به نیروی جمعی همه کارگران و پیشبرد و سازماندهی مبارزه از طریق دخالتگری و شرکت فعال و تصمیم گیری همه

کارگران. مجمع عمومی همچنین مکانیسم عملی و موثری است برای انتخاب نمایندگان که بتوانند توده کارگران را در مقابله و مذاکره با کارفرما و دولت نمایندگی بکنند. ببینید کارفرمایان همیشه به امکانات دولتی و قوانین و نیروهای سرکوب متکی بوده اند و همیشه تلاش داشته اند با کارگران به شکل متفرق و حتی فردی مقابله کنند. برگزاری مجمع عمومی یکی از موثرترین راه های خنثی کردن این تلاشهای دولت و کارفرمایان و ظاهر شدن مثل یک تن واحد در برابر آنها است.

از نظر مضمون هم میدانید اعتصاب نفت خواسته های اساسی ای را روی میز گذاشته است. از مساله افزایش دستمزدها تا شرایط

رفاهی در خوابگاه های کارگران تا خواست ده روز مرخصی ماهیانه و خواسته های دیگری که کارگران در همین مجمع عمومی هفشجان مطرح و تاکید کردند و در مذاکرات هم همین خواسته ها را دنبال میکنند. ولی به نظر من نکته مهمتر مطرح کردن قراردادهای جمعی از سوی نمایندگان کارگران و مذاکره برای بستن قراردادهای جمعی است.

نفس مقاطعه کاری و پیمانکاری یعنی نقض قراردادهای جمعی حتی در کشورهای غربی. این یک رکن سیاست ریاضت کشی اقتصادی است، یک رکن سیاست سپردن همه چیز به رقابت و به بازار آزاد است. نئو کنسرواتیسم و مکتب فریدمن قراردادهای جمعی را قبول

ندارد و پرچم این را هم مارگارت تاچر بلند کرد. منطقشان هم اینست که استخدام کارگر یک داد و ستد است که فرض کنید مثل خرید و فروش لباس دو فرد با هم روبرو میشوند و کالائی، در اینجا نیروی کار، با رضایت طرفین خرید و فروش میشود.

کارگران این سفسطه را قبول ندارند. خریداران نیروی کار با اتکا به دولتشان یکپارچه در برابر فروشندگان نیروی کار قرار گرفته اند و کارگران هم باید متحد و یکپارچه به مقابله با آنها برخیزند. بستن قراردادهای جمعی یکی از اولین دستاوردهای کارگران در این مقابله جمعی با سرمایه داران بوده است. اما پس گرفتن این دستاورد در چند دهه اخیر به

یک روند عمومی تبدیل شده است و یکی از مبانی سیاست ریاضت‌کشی اقتصادی و اصل سپردن همه چیز به قوانین بازار است. حتی در کشورهایی که کارگران اتحادیه‌ای قوی دارند دولتها تلاش میکنند کارگران را عقب برانند و آنها را با قراردادهای موقت و فردی استخدام کنند و ریش و قیچی استخدام و اخراج را به دست پیمانکاران بدهند. در ایران بویژه این یک شیوه رایج و فراگیر است. نه فقط در مناطق ویژه اقتصادی بلکه کلاً در همه جا قراردادهای جمعی بوسیله دولت و کارفرماها نفی میشود. طرح بستن قراردادهای جمعی بوسیله نمایندگان کارگران جواب همه کارگران ایران به این سیاست ضد کارگری رایج است. به نظر من این یک تعرض قدرتمند هست به ارکان

اقتصادی دکتترین ریاضت کشی. همانطور که شهلا دانشفر هم اشاره کرد کارگران اعتصابی نفت نفس پیمانکاری و واسطه ها و مناطق ویژه اقتصادی را زیر سؤال برده اند و طرح بستن قراردادهای جمعی در واقع ادامه و ترجمه عملی به چالش کشیدن این سیاستهای کلان ضد کارگری است. از این نقطه نظر هم این اتفاق مهمی در جنبش کارگری ایران محسوب میشود.

**خلیل کیوان:** در مورد اهمیت و تاثیرات این موضوع صحبت شد. شهلا دانشفر اجازه بدهید در مورد تاثیرات آن بطور مشخص تر صحبت کنیم. این اقدام مربوط به یک گوشه از کارگران صنعت نفت میشود. بر سایر بخش ها چه تاثیری دارد و همینطور تاثیرات آن در بعدی سراسری

تر و بر بخش های دیگر طبقه کارگر چیست؟

**شهلا دانشفر:** یک نگرانی کارگران نفت و همه کسانی که به این اعتصابات به عنوان یک نقطه امیدی نگاه میکردند این بود که با توجه به پراکندگی بخش های مختلف نفت و وجود پیمانکاران مختلف و تماسهایی که پیمانکاران با کارگران اعتصابی بطور پراکنده می گیرند تا این کارگران را سر کار باز گردانند، این بود که این اعتصاب بطور تدریجی از هم وا برود و به فرسودگی کشیده شود. امروز این اتفاقی که افتاده نشان میدهد که کارگر نفت برای این نگرانی جواب دارد. امروز شما حرکت متشکل و متحد کارگران نفت را می بینید در مقابل پیمانکاران که آنچنان زبون شده اند که مجبور

شده اند نمایندگان خود را در سطح یک استان و در سطح مجموعه ای از شرکت انتخاب کنند و قرار میشود که این کار را ادامه دهند تا رسیدن به توافقات با نمایندگان منتخب کارگران. این اتفاق نشان میدهد که دیگر نگرانی ای که اشاره کردم وجود ندارد. این حرکت راه نشان میدهد به کارگران نفت در تمام بخشها. من فکر میکنم حتی اگر در همین هفشجان این اقدام به توافقات مورد قبول کارگران برسد و نتیجه دهد، باقی بخش های کارگران نفت نیز حتی اگر نتوانند مجمع عمومی خود را تشکیل دهند و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند، میتوانند اعلام کنند که ما به کمتر از آنچه که همکارانمان در هفشجان رسیده اند، رضایت نمیدهیم و این تاکید است که اتفاقا شورای سازماندهی



اعتراضات کارگران پیمانی نفت نیز داشته و هر جایی که پیشروی ای بوده است اعلام کرده است که به کمتر از آن رضایت نمی دهیم و آنرا الگوی سراسری خود قرار میدهیم. در جاهایی دستمزدها را دو برابر اضافه کردید. با بیست روز کار و ده روز مرخصی و برخی بهبودها در وضع کمپ ها رضایت دادید و بنابراین باید همه جا اینها مورد توافق قرار گیرد. اکنون آن حرفی که شورای سازماندهی زده بود، سازمان خود را پیدا کرده است. الان مجمع عمومی تشکیل شده و هیات نمایندگان کارگری شکل گرفته و مذاکره با نماینده پیمانکاران و رفتن به پای بستن قرارداد دسته جمعی جلو آمده است. به این اعتبار همین اتفاقات ابزاری داده است به دست همه کارگران نفت در سطح سراسری

که متحد بایستند و پیگیر مطالباتشان باشند. بگذریم که کارگران هفشجان نشان دادند که اتفاقاً میشوند پای همین حرکت رفت. از جمله در عسلویه کارگران در تمام شرکت‌ها میتوانند مجمع عمومی تشکیل دهند. نمایندگان خود را انتخاب کنند و فراتر از آن در سطح کل عسلویه هیات نمایندگی خود را تشکیل دهند. بطور مثال میشود 4 قطب در نفت ایجاد کرد و در آن چهار قطب هیاتهای نمایندگان منتخب کارگران پای مذاکرات سراسرای با پیمانکاران بروند و قراردادهای دسته جمعی ببندند. خوشبختانه امروز خود کارگران همه چم و خم اوضاع را دارند مبینند و در همین جهت حرکت میکنند. این الگوی سراسری سازمان یابی اعتراض در نفت است. ببینید همین الان ما شاهد این هستیم که

از یک طرف بخشی از کارگران زیر فشار اعتصاب با تحمیل عقب نشینی هایی به پیمانکاران بر سر کار بر میگردند و از سوی دیگر بخش هایی که هنوز وارد اعتصاب نشده بودند دارند به اعتصاب می پیوندند، چون قدرت اعتصاب را می بینند و بدین ترتیب در صنعت نفت امروز پر از تحرک و اعتراض است. دیگر آن نگرانی ها کنار رفته است. بخاطر اینکه قدرت کارگر در اتحاد و در تشکل اوست. در سطح سراسری نیز همینطور است. کارگران هفشجان دارند به همه کارگران راه نشان میدهند. خصوصاً ما کنار همه اینها تجربه کارگران نیشکر هفت تپه را داریم. ببینید ما همواره تاکید کرده ایم که تعیین حداقل افزایش سالانه نرخ دستمزدها باید از طریق مذاکره جمعی نمایندگان تشکل

های کارگری در مقیاس سراسری با نمایندگان سراسری کارفرمایان و دولت تعیین شود. نفت نشان داد این کار ممکن است. همین الان یک بحث محوری کارگران اعتصابی نفت خواست افزایش دستمزدهاست. کارگران با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان خود دارند بطرف بستن قرارداد جمعی میروند. این الگورا میشود سراسری کرد.

**خلیل کیوان:** کارگران هفت تپه بعد از اعلام حکم خلع ید از اسدیگی روز دوشنبه ۱ شهریور اعلام کرده اند که اعتصاب ۴۱ روزه شان را موقتا به حالت تعلیق در میاورند و ضمن اعلام مطالباتشان تاکید کرده اند یک خواست فوریشان تعیین مدیریت شرکت و اداره آن تحت

نظارت شورایی است. حلقه اتصال اداره شورایی که کارگران هفت تپه بر آن تاکید دارند و جنبش مجمع عمومی کارگران هفشجان چیست؟

**حمید تقوائی:** اجازه بدهید ابتدا این نکته را هم به توضیح شما اضافه کنم که کارگران هفت تپه الان عملاً دست به اداره شورایی زده اند. کارگران اعلام کرده اند که تا زمانی که دولت مدیری تعیین کند نیشکر هفت تپه را خود اداره خواهند کرد و بعد از آن هم بر کار مدیریت نظارت خواهند داشت.

اما در پاسخ به سئوالتان باید بگویم اداره شورایی برای کارگران مهم است بخاطر اینکه همه در آن نقش دارند. صحبت بر سر اداره هفت تپه

بوسیله یک فرد و یا دولت و یا حتی مسئولین اتحادیه و یا چند کارگر تعیین شده از بالا نیست. اداره شورائی یعنی دخالت مستقیم شوراهای کارگری، و شورا به مجمع عمومی متکی است. بدنه شورای واقعی کارگری در یک واحد تولیدی همه کارگران آن واحد هستند. مجمع عمومی تنها ظرفی است که میتواند تمام کارگران را در تصمیم گیری ها دخیل کند. خود کارگران هفت تپه کاملاً متوجه اهمیت مجمع عمومی هستند و الان الگوی مجمع عمومی کارگران نفت نشان میدهد که این امر امکان پذیر است. حتی این عملاً امکان پذیر است که مجمع عمومی در یک رشته تولیدی در سطح استانی و در فضای باز برگزار شود. الان سنگر کارگران هفت تپه که ظرف گردهمائی کارگران در فضای باز جلوی

فرمانداری و یا در محوطه شرکت است عملاً  
نوعی مجمع عمومی است.

از این نقطه نظر اعتصاب هفت تپه و اعتصاب  
کارگران نفت هم جهت و مکمل یکدیگر هستند.  
اعتصابات هفت تپه موضوع شوراها و اداره  
شورائی را در جامعه مطرح کرد و پیگیری کرد  
و در جشن خلع ید کارگران اعلام کردند که  
نیشکر هفت تپه باید تحت نظارت کارگران اداره  
بشود و اکنون که خلع ید از اسدیگی کاملاً  
محرز شده و رسمیت پیدا کرده است نه تنها  
این گفتمان دوباره به جلو رانده میشود بلکه  
همانطور که اشاره کردم کارگران اعلام کرده  
اند تا زمان تعیین شدن مدیر هفت تپه از جانب  
دولت امور شرکت را در دست میگیرند و هر

کس هم که تعیین شود به نظارت بر اداره شرکت ادامه خواهند داد.

از سوی دیگر اهمیت مبارزه کارگران نفت، تا آنجا که به بحث شورا برمیگردد، تشکیل مجمع عمومی و پیشروی در جهت تعیین نمایندگان واقعی خود و طرف شدن با دولت و پیمانکاران با اتکا به قدرت مجمع عمومی است. مجمع عمومی اساس و رکن جنبش شورائی است و این یکی از حلقه های پیوند مبارزات کارگران نفت و کارگران هفت تپه است. پیشرفته ترین شکل اعمال قدرت مجمع عمومی اداره شورائی است و از این نقطه نظر دو تجربه هفت تپه و صنعت نفت هدف واحدی را در چشم انداز قرار میدهند.



این نکته را هم بگوییم که این تجربه حتی در مقایسه با جنبش کارگری در کشورهای غربی یک پیشروی و دستاورد محسوب میشود. تردیدی نیست که بخاطر سرکوب و تحمیل بی حقوقی کارگران در ایران حتی حق تشکیل اتحادیه ندارند و بهمین دلیل جنبش کارگری ایران بسیار ضعیف تر از کشورهای غربی است ولی از نظر طرح مساله اداره شورائی ، اتکا به مجمع عمومی و به چالش کشیدن سیاستهای نئوکنسرواتیستی (ریاضت کشی و پیمانکاری و مناطق ویژه اقتصادی و غیره) جنبش کارگری ایران میتواند حتی الگوئی برای کارگران در منطقه و حتی کشورهای غربی باشد. از این نقطه نظر جنبش کارگری ایران گامهای بزرگی

بجلو برداشته است.

**خلیل کیوان:** چشم انداز تشکیل مجامع عمومی کارگری و تشکیل شوراها را چطور میبینید؟

**شهلا دانشفر:** در بحثی که تا همین الان داشتیم این چشم انداز کاملاً روشن است. به نظر من جنبش کارگری دست به کار ایجاد شوراها شده است. سه سال قبل گفتمان اداره شورایی جلو آمد و الان کارگران دارند قدم به قدم، سنگر به سنگر و خشت روی خشت شوراهایش را میسازند. از جمله ما از نفت صحبت کردیم و از نیشکر هفت تپه صحبت کردیم. در اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه کارگران گفتند برای اینکه به اعتصابمان رسمیت دهیم در مجمع

عمومی مان در مقابل فرمانداری حضور و غیاب  
میکنیم و تاکید کردند که ما دو سنگر داریم  
یکی در شرکت و دیگری مقابل فرمانداری.  
و الان خودشان در شرکت حضور و غیاب را  
انجام میدهند و خودشان امور شرکت را به پیش  
میبرند تا وقتی نماینده از دولت به این شرکت  
گسیل شود و این مجمع تحت نظارت شورای  
کارگران اداره شود. بنابراین می بینیم فقط در  
حد گفتمان نیست بلکه این کارگران در حد  
نظارت شورایی و اعمال اراده جمعی جلو رفته  
اند و اینها گامهای بسیار بلندی برای تثبیت پایه  
های جنبش شورایی است. در این حرکت هم  
ممکن بودن ایجاد شوراها در سطح سراسری  
را نشان میدهد و هم جایگاه و مطلوبیت آن را  
نشان میدهد که برای جلوگیری از تفرقه افکنی

ها و برای قدرتمند عمل کردن و ادامه کاری  
اعتراض و مبارزه باید به تصمیم گیری و اراده  
جمعی کارگری متکی بود و باید شوراها را در  
همه جا ایجاد کرد. در همین اعتراضات کارگران  
نفت ما شاهد بودیم که میگفتند مجمع عمومی  
تشکیل ندهید. تجمع برپا نکنید و هر اقدامی  
برای تجمع کردن اغتشاش است. کارگران قدم  
به قدم در برابر اینها ایستادند. دست به کار  
ایجاد مجامع عمومی خود شدند. شورایشان  
را سازمان دادند. و امروز در این موقعیت قرار  
گرفته اند. این اتفاقات بسیار شورانگیز. این  
حرکت نشان میدهد جنبش کارگری به طرف  
ایجاد شوراها خیز برداشته است. و همانطور  
که حمید تقوایی اشاره کرد مجمع عمومی پایه  
و اساس این شوراهاست. و نه فقط به عنوان

ابزار اعتراض همین امروز کارگر بلکه دارد به عنوان ابزار اعمال اراده کارگر قد علم میکند. خواسته‌هایش را اعلام میکند و حول آن مطالبات به جلو گام بر میدارد. و امروز می‌بینیم که بطور واقعی کارگران با مبارزات خود دارند خواسته‌ها و مطالبات کل جامعه را نمایندگی میکنند.

**خلیل کیوان:** گفتمان شورا و اداره شورائی مدتی است در فضای جامعه مطرح است و امروز هم تجربه مجمع عمومی کارگران نفت آن را تقویت کرده است. به نظر شما گفتمان شورایی و تشکیل مجمع عمومی تا چه حد میتواند بر مقبولیت راه حل کارگری و سوسیالیستی برای اداره جامعه تاثیر داشته باشد؟

**حمید تقوائی:** حتما تاثیرات مهمی دارد اما بحث فقط بر سر تاثیر نیست. موضوع اینست که طبقه کارگر در دل یک تجربه عملی اداره شورائی را مطرح کرده است و این گفتمان توجه بخشهای وسیعی از جامعه، نود و نه درصدیها، را هم به خود جلب کرده است.

ببینید بحث شوراها قبلا هم در فضای سیاسی ایران در سطح گسترده ای مطرح شده و عملا تجربه شده است. بعد از انقلاب ۵۷ شورا بعنوان ابزار دخالت توده مردم در اداره جامعه در همه جا، نه تنها در مراکز تولیدی و کارگری بلکه در دانشگاهها و ادارات و محلات، تشکیل شد. در انقلاب ۵۷ همه مردم دموکراسی و آزادی را با شوراها تداعی میکردند. کسی به

پارلمان و انتخابات پارلمانی و غیره توجه و توهمی نداشت. شورا یک خواست و ایده آل عمومی بود. نه تنها سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها و یا روشنفکران انقلابی، بلکه توده مردمی که بعد از ساقط کردن شاه میخواستند خودشان امور را در دست بگیرند وسیعا به شوراها روی آورده بودند. این یک تجربه و دستاورد بزرگ و ارزشمند انقلاب ۵۷ بود و این پدیده هیچوقت از فضای سیاسی ایران پاک نشد. جامعه ای که به شوراها روی آورده بود این تجربه را در حافظه تاریخی خودش حفظ کرد و بخصوص در جنبش کارگری این حرکت ادامه پیدا کرد. این درست است که بحث شورا و مجمع عمومی در چند سال اخیر با اعتصاب هفت تپه دوباره روی میز آمده است ولی هیچوقت در جنبش کارگری فراموش

نشد. جنبش شورائی در دوره سلطه جمهوری اسلامی همیشه جنبش قدرتمندی بوده است و فعالین خودش را داشته است، مجمع عمومی در دل مبارزات کارگران این یا آن واحد تولیدی تشکیل میشده است و حتی در سخت ترین شرایط کارگران در اعتراضاتشان دست به تشکیل مجمع عمومی میزده اند و امروز این حرکت به گفتمان صریح اداره شورائی تبدیل شده است.

اداره شورائی در واقع آلترناتیو طبقاتی کارگران، آلترناتیو کمونیستی و سوسیالیستی برای اداره جامعه را در چشم انداز قرار میدهد. آزادی و رهائی جامعه در گرو این هست که مردم در امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خوشان



مستقیماً دخیل بشوند و تصمیم بگیرند و تصمیماتشان را اجرا بکنند و جنبش کارگری هم با پرچم اداره شورائی همین را میگوید. ما کمونیستها هم همیشه بر این تاکید کرده ایم که یک رکن مهم دولت و نظام سوسیالیستی اعمال اراده مستقیم همه مردم از طریق شوراهاست. و امروز در تجربه جنبش کارگری مطلوبیت و امکان پذیری تشکیل شوراها در برابر چشمان جامعه قرار گرفته است. جامعه می بیند که چطور میتوان دولت مافوق و آقا بالاسر مردم را کنار زد و خود توده مردم اداره جامعه را بدست بگیرند.

(تاریخ گفتگو ۲۴ اوت ۲۰۲۱)

**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام